

گزارش سلسله نشست‌های صلح پژوهی در ادبیات

جمعیت ندای صلح (۱)

سید علی ساداتی نژاد^۱

مقدمه

جمعیت ندای صلح، تشکل جدیدی است که از بهمن ماه ۱۳۹۷ با هدف ترویج صلح و مطالعات صلح با نگاه اسلامی و همخوان با نگاه انقلاب اسلامی راه‌اندازی شد. این موسسه به عنوان یک سازمان مردم نهاد علمی با مجوز از وزارت کشور با هدف صلح پژوهی اسلامی و شناساندن صلح از نگاه دین مبین اسلام به عنوان دین صلح و دوستی با رویکرد پژوهش محور تشکیل شده است. امروز دشمن با خلق گروه‌های تروریستی و افراطی به ظاهر اسلامی همچون داعش و غیره، سعی در شناساندن جعلی اسلام به جهان به عنوان چهره مسلمانان است و البته هدف اصلی از این کار نیز ضربه زدن به چهره صلح‌آمیز اسلام و ایجاد اسلام‌هراسی در جهان است. از اینرو هدف از تشکیل این سازمان مردم نهاد، تلاش علمی در جهت شناساندن صلح و موضوعات مرتبط با این مفهوم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. در این راستا، این جمعیت سلسله نشست‌هایی را با عنوان صلح‌پژوهی در ادبیات در دستور کار خود قرار داده است تا به صورت علمی این اهداف را دنبال کند. گزارش سه نشست برگزار شده به اختصار بیان می‌شود.



وینار «بررسی مفهوم صلح عادلانه در متون ادبی ایران»

به گزارش روابط عمومی جمعیت ندای صلح، اولین نشست صلح پژوهی در ادبیات با موضوع «بررسی مفهوم صلح عادلانه در متون ادبی ایران» در روز دوشنبه، ۱ شهریور ساعت ۱۶ و با سخنرانی دکتر عصمت دریکوند، دبیر کمیته صلح و ادبیات جمعیت ندای صلح به صورت مجازی از پیج اینستاگرام جمعیت ندای صلح به آدرس cfpp.ir@ برگزار شد.

وی با بیان اینکه در ادبیات کهن فارسی صلح مفهومی در برابر جنگ است و امروز با نگاهی مثبت، مفهوم صلح تمام عوامل برهم زننده آن را دربر می‌گیرد گفت شاعران و نویسندگان ایرانی از هزاران سال پیش منادی صلح و آزادی حقوق انسان‌ها بوده‌اند و شاید دلیل اصلی اقبال جهانیان به آثار آنان همین باشد.

وی با بیان اینکه شاهنامه فردوسی مهمترین اثر حماسی ادب فارسی است که تاریخ قوم ایرانی را از آغاز شکل‌گیری قومیتشان تا پایان دوره ساسانیان دربر دارد گفت جنبه‌های صلح‌طلبانه در شاهنامه فراوان است و فردوسی را با قهرمانان راستین شاهنامه می‌توان صلح‌جوترین افراد بشر قلمداد کرد و در جهان‌بینی فردوسی نباید به موری هم آزار رساند زیرا که به مانند انسان جان دارد و جان شیرین خوش است. وی با بیان اینکه در متون عرفانی هم، آثار مولانا آثار گرانسنگی در ادبیات فارسی است گفت مولانا از منظر عرفان به جهان درونی و بیرونی می‌نگرد و صلح را از درون به عنوان خودسازی یا خودشناسی آغاز می‌کند و به خداشناسی می‌رساند.

وی با بیان اینکه در متون اخلاق هم نمونه‌های زیادی از صلح‌طلبی شاعران و نویسندگان مشهود است گفت سعدی عقل‌گرایی است که صلح را درحد یکپارچه بودن جوامع بشری به ما معرفی می‌کند و گرایش سعدی به صلح و آشتی بیش از آنکه ریشه‌های عرفانی داشته باشد ریشه‌های انسانی دارد و بیشتر فراگیر و اجتماعی است تا فردی و شخصی.



وی با اشاره به متون نثر هم که شامل ادبیات تعلیمی، اخلاقی، اندرزنامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها است گفت در این متون مولفان توصیه‌هایی به پادشاهان می‌کنند و معمولا در قالب داستان‌ها و حکایات به نصیحت آنان می‌پردازند و آنان را از جنگ و خونریزی برحذر می‌دارند.

وی با بیان اینکه علاوه بر ادبیات کهن، در ادبیات معاصر نیز رگه‌های صلح‌طلبی شاعران و نویسندگان به وفور یافت می‌شود، آثار فریدون مشیری و سیمین دانشور را از جمله این آثار دانست که در آن مسائل اجتماعی، ستایش صلح، نفی جنگ و کشتار انسان‌ها، ظلم‌ستیزی، نفی ریا و لزوم یاری رساندن و مهربانی به دیگران نقش برجسته‌ای دارد.

وی در پایان با بیان اینکه صلح‌طلبی و صلح‌خواهی از ویژگی زندگی شاعران و نویسندگان بوده است گفت صلح‌دوستی و پرهیز از خشونت در تمام دوره‌ها و متون گوناگون ادبیات فارسی ایران جاری بوده و خواهد بود.

وبینار «صلح و عدالت از منظر حافظ»

به گزارش روابط عمومی جمعیت ندای صلح، دومین نشست صلح پژوهی در ادبیات به مناسبت روز بزرگداشت حافظ با موضوع «صلح و عدالت از منظر حافظ» در روز سه‌شنبه، ۲۰ مهر ساعت ۱۷ و با سخنرانی دکتر عصمت دری‌کوند، دبیر کمیته صلح و ادبیات جمعیت ندای صلح به صورت مجازی از پیج اینستاگرام جمعیت ندای صلح به آدرس cfpp.ir برگزار شد.

وی با بیان اینکه حافظ از شاعران بسیار با نفوذی است که در زندگی مردم ماوراءالنهر تاثیر به سزایی داشته است گفت به قول استاد شفيعی‌کدکي شعرهای او درس سحرگاه و ورد شبانه همه ملل آسیای میانه و آسیای غربی و قسمت وسیعی از جهان اسلام است.



وی با بیان اینکه حافظ یکی از چیره‌دست‌ترین شاعرانی است که موضوع غزل را که وصف می و معشوق و مغالزه است، برای تصویرسازی هنری در ساخت اجتماع و ضد و نقیض‌های جامعه و نشان دادن پیام‌های اخلاقی کهنه‌ناشدن و زمان‌ناپذیر به کار می‌برد گفت با بررسی شعر شاعران و از جمله حافظ به عنوان نمادهای اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی، چنین در می‌یابیم که در اشعار شاعران همواره بر ستایش صلح و نکوهش جنگ و منازعه تأکید شده است و همچنین به ارزش‌های بشردوستانه توجه ویژه‌ای داشته‌اند.

وی با بیان اینکه حافظ اندیشه‌ای بشری و جهانی و به دور از تعصب قشری‌نگری دارد گفت در غزلیات حافظ همواره توصیه به صفات نیک چون مدارا، بخشش، گذشت، احسان، تساهل و تسامح شده است که زمینه‌ساز برقراری صلح و آشتی است و حافظ به مسائلی چون عفو و گذشت تأکید دارد.

وی با بیان اینکه حافظ در زمانه‌ای پرآشوب می‌زیسته و شاید برای مقابله با اغتشاشات حاکم بر زمان خود به نغمه‌های آسمانی پناه برده است گفت حافظ در این اندیشه است که غزل‌هایش تعارضات میان ملحد و مسلمان، عارف و عامی، ظالم و عادل و سایر طبایع متضاد را کنار هم بنشانند و آن‌ها را آشتی دهد.

وی با اشاره به بیت «جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه، چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند» و اینکه اندیشه‌های والا و فرازمانی و فرامکانی حافظ، زمان‌ناپذیر و زوال‌ناپذیرند زیرا پیام او خطاب به مردم دنیاست گفت وقتی از مروت و جوانمردی یا از تسامح و مدارا و تساهل دم می‌زند، نه خطاب به قشر خاصی سخن می‌راند و نه زمان خاصی، بلکه نوع بشر را در نظر می‌گیرد.

وی با اشاره به بیت «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است، با دوستان مروت، با دشمنان مدارا» گفت این پیام در واقع صلح و مدارا را محدود به ایران



یا شرق و غرب یا مسلمان و نامسلمان نمی‌داند، بلکه به اعتقاد حافظ در پیش گرفتن راه دوستی موجب کامروایی انسان‌ها و انتخاب تخاصم و تنازع منشا دردها و مصیبت‌های نوع بشر است.

وی با بیان اینکه همگان بر این نکته اقرار دارند که کهن‌ترین سند نوشتاری حقوق بشر، فرمان کوروش است که اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌جویی و احترام به تمام ادیان و مذاهب و حقوق همگانی را در برخورداری از صلح و آرامش در بر دارد گفت شاید حافظ هم در بیت جنگ هفتاد و دو ملت، به فرمان کوروش اشاره داشته است.

وی با اشاره به بیت «به قد و چهره هر آن کس شاه خوبان شد، جهان بگیرد، اگر دادگستری داند» و اینکه حافظ پایداری حکومت‌ها و ایجاد امنیت در جوامع را در سایه اجرای عدالت و دادگستری می‌داند گفت این امر نه تنها در شعر حافظ، بلکه در شعر بیشتر شاعران ایرانی یادآوری شده است.

وی در پایان با بیان اینکه شعر حافظ بسیار رمزالود است و قدرت تاویل‌پذیری بالایی دارد، به طوری که هرکس دیوان حافظ را باز می‌کند و به اصلاح تفال می‌زند و غزلی می‌خواند، با توجه به شرایط روحی و حال و هوای خود برداشت خاصی از شعر خواهد داشت، گوئی که حافظ آن شعر را برای آن لحظه و آن حال و هوای خاص سروده است گفت این چنین است که پس از گذر سال‌ها و قرن‌ها حافظ همچنان جای خود را در بین مردم حفظ کرده است و ماندگاری حافظ را در پی داشته است.

وینار «نه به خشونت علیه زنان»

به گزارش روابط عمومی جمعیت ندای صلح، سومین نشست صلح پژوهی در ادبیات، به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان با موضوع «نه به



خشونت علیه زنان» در روز یکشنبه، ۱۴ آذر ساعت ۱۷ و با سخنرانی دکتر عصمت دری‌کوند، دبیر کمیته صلح و ادبیات جمعیت ندای صلح به صورت مجازی از پیج اینستاگرام جمعیت ندای صلح به آدرس cfpp.ir برگزار شد.

وی با بیان اینکه روز ۲۵ نوامبر از طرف سازمان ملل به عنوان «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» نام‌گذاری شده است گفت زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه حضور دارند و در واقع این نیمی از جامعه ارتباط مستقیمی با صلح و امنیت بین‌المللی دارند و به تعبیری می‌توانند نقش بسیار پررنگی در صلح و امنیت جهان داشته باشند.

وی با بیان اینکه حدود ۲۰ سال پیش در سازمان ملل متحد روز ۲۵ نوامبر به این عنوان نام‌گذاری شد و هر سال گرامی داشته می‌شود گفت این روز (۲۵ نوامبر) روز قتل خواهران میرابل است و مبنای نمادین برای الزام توجه و اهمیت به زنان و انواع خشونت علیه آنها بدین نام نام‌گذاری شده است.

وی با بیان اینکه هدف از این اقدام آن بود که افکار عمومی جهانیان بیش از پیش به نهی از خشونت علیه زنان متمرکز شود گفت با این حال با گذشت حدود ۲۰ سال از نامیده شدن چنین روزی، هنوز شاهد هستیم که در سراسر جهان انواع و اشکال خشونت در حق زنان به کار گرفته می‌شود.

وی با بیان اینکه شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ قطعنامه ۱۳۲۵ را به تصویب رساند که عنوان آن «زنان، صلح و امنیت» بود و محورهای اصلی این قطعنامه به پیشگیری مناقشات و خصومت‌ها در درون و بین کشورها، تامین مشارکت زنان در حیات سیاسی و اجتماعی و نیز ممانعت از خشونت علیه زنان مربوط می‌شد گفت این قطعنامه مبنای است برای آنکه خشونت‌های گوناگون علیه زنان بدون مجازات نمانند و عاملان آنها پای میز محاکمه کشیده شوند.



وی با بیان اینکه خشونت علیه زنان، تجاوز به حقوق بشر است و موجب تبعیض و گسترده‌تر شدن و عمیق‌تر شدن نابرابری میان زنان و مردان می‌شود گفت خشونت همچنین مانعی برای پیشرفت در همه زمینه‌ها، از جمله کاهش فقر و برقراری صلح و امنیت است.

وی با بیان اینکه بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده فرهنگ و ساختار خانواده‌های معمولی شرایط لازم را برای به کارگیری خشونت علیه زنان و کودکان فراهم می‌آورد و زندگی روزمره خانوادگی، تضادها و مشکلات فراوانی را دامن می‌زند گفت به استثنای درصدی از خانواده‌ها که مشکلات‌شان را از طریق گفتگو حل می‌کنند، در اکثر خانواده‌ها حرف آخر را فرد قوی‌تر می‌زند و اگر حرف او کارگر نشود، برای تثبیت موقعیت خود دست به خشونت می‌زند.

وی با بیان اینکه به نظر می‌رسد که هرچند در یک جامعه زنان و مردان با یکدیگر زندگی می‌کنند، اما شرایط زنان و مردان با توجه به خطراتی که در حوزه عمومی و خصوصی برای آنان وجود دارد، پرمخاطره‌تر از مردان است و زنان در خانه و اماکن عمومی و شغلی در معرض پدیده‌ای قرار دارند که از آن با عنوان خشونت علیه زنان نام می‌برند گفت هرچند که مردان نیز در شرایط ناامن جامعه قرار دارند، اما با توجه به خشونت علیه زنان، مردان نه تنها از این نوع خطر دورند، بلکه عاملین خشونت علیه زنان نیز در نظر گرفته می‌شوند.

وی با بیان اینکه متأسفانه نگرش عمومی در اکثر جوامع نه تنها این است که زنان باید این شرایط را تحمل کنند، بلکه معمولاً نقش مردان به عنوان عاملان خشونت نیز از نظر مخفی می‌ماند، البته طبیعتاً در هر جامعه‌ای مردانی با سطح شعور و آگاهی بالا نیز وجود دارد که با هر نوع خشونت و عمل خشن نسبت به هرکس و هر چیز مخالفانند گفت در این میان آنچه مدنظر است بیشتر ساختار کلی جامعه است



که زنان و مردان را وادار به قبول زندگی در شرایط خشن می‌کند و ممکن است به دلیل تحکیم یافتن آمیزه‌های فرهنگی غلط در بین اقشار جامعه زنان هم در هنگام قدرتمندی اعمال نادرست و خشن را در حق زنان و مردان دیگر روا دارند.

وی با بیان اینکه امروزه دیگر خشونت علیه زنان پدیده‌ای پنهان نیست، بلکه به صورت آشکارا در جوامع شناخته شده است و تعریف و انواعی دارد گفت با وجود این اقدامات، کاهش یا از بین بردن آن به کندی و به سختی انجام می‌گیرد و اقدامات قانونی و اجتماعی برای مقابله با مجرمان آن هم نامشخص است.

وی در پایان با بیان اینکه ورود خشونت علیه زنان به مباحث علمی و افکار عمومی، حاصل تلاش و کوشش‌هایی است که به صورت عمده از جانب زنان و جنبش‌های آنان صورت گرفته است و همواره بر جهانی بودن این پدیده تاکید کرده‌اند گفت بر اساس پژوهش‌ها خشونت علیه زنان، خاص کشور یا دوره تاریخی مشخصی نبوده، بلکه در طول تاریخ و در بین همه اقشار جامعه رایج بوده است و ارتباطی با ویژگی‌های فردی، نژادی، طبقاتی، قومیتی، مذهبی و ... افراد جوامع ندارد و در میان افراد باسواد و بی‌سواد، افراد با درآمدهای بالا و پایین نیز مشاهده می‌شود و تنها ارتقای فرهنگ و تحکیم بخشیدن جایگاه زنان و آموزش و فرهنگ‌سازی می‌تواند این پدیده را کمرنگ کند و از بین ببرد.